



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ إِلَهُ خَيْرٌ تَأْخُذُ بِعُرْسِ الْعَرْشِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ

قال الله العلي العظيم في كتابه العلي الحكيم: فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي التُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ

راهنمای طب نجومی یا تنجیم طبی (۵)

ارتباط داروهای طبی

با نشانه های فلکی و نجوم و کواکب آسمانی

راهنمای اطباء و منجمان کهن و اسلامی در حوزه تشخیص طبی و مدیریت درمان

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی: د. اسرار المعارف الإلهیة

تحقیق و تدوین:

پژوهشگر علوم طب جامع و پژوهشگر تقویم نجوم و تجزیم بنیاد حیات اعلی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ إِلَيْهِ خَيْرٌ نَاصِرٌ وَمَعِينٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ

قال العلي الحكيم وصي النبي الكريم: من اقتبس علما من علوم النجوم من حملة القرآن إزداد به إيمانا ويقينا

افق مینای مرسولات نجومی: ساعت جهانی KMT مکہ مکرمہ کعبہ مشرفہ

هفته نامه

راه آسمان

آموزش و تبیین مباحث تقویم و نجوم و تحجیم اسلامی

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشرف علی: داسر المعارف الإلهیة

ارائه و نشر: پژوهشگر علوم نجوم و تقویم و تحجیم بنیاد حیات اعلی

هفته نامه راه آسمان شماره: ۳۹۳

۱ ذی قعدة ۱۴۳۵ = ۵ شهریور ۱۳۹۳ = ۲۷ اوت ۲۰۱۴

تشخیص نجومی و هنگام شناسی طبی کاربرد داروهای گیاهی

❖ هر چیزی که تکون می یابد از جماد و نبات و حیوان، قوت و ضعفهایش از دلایل نجومی او قابل توضیح است، و حکمای الهی علوم نجوم کهن و اسلامی جهت داروشناسی اطباء و بهره مندی و تدبیر امور بیماران؛ دلایل نجومی و انتساب کواکب و بروج به داروها را بیان نموده اند، مانند طالع تولد يك فرد، تولد و رشد گیاهان نیز بوسیله دلایل نجومیشان؛ قوتها و ضعفهای آنها بررسی و بیان می شوند و همانطور که کواکب و بروج امور مربوط به آدمی را نشاندهی می کنند در مورد خصایص نباتات نیز راهنما هستند.

❖ هر يك از گیاهان به يك یا چند کوکب از کواکب سبعة منسوب هستند، و به نسبت دلالت کواکب بر اجزاء و امراض بدن، گیاهان منتسب به آن کواکب نیز برای درمان آن امراض کاربرد دارند، مثلاً همانطور که زحل بر اندام طحال و عوارض آن دلالت دارد، گیاه منتسب به زحل نیز در درمان بیماریهای طحال نافع است، اما این امر همه مطلب نبوده، و بجز نسبت اصلی گیاه با کوکب، شرایط تکون و پیدایش گیاه از نظر حال کوکب نیز دخالت دارد، پس اگر که در قوت زحل تکون یافته باشد، و اگر تکون گیاه در نحوست زحل باشد خواصش کاسته شده و یا مضر است. همچنین هنگام تهیه و ساختن و مصرف دارو نیز باید ملاحظه گردد، تا در بهترین حالات کوکب مربوطه انجام شود.

شرح انتساب کواکب بر اعضاء و بیماریها در فصول قبل ذکر شد، در این مبحث به تبیین ارتباط داروهای گیاهی با کواکب می پردازیم.

انواع ارتباطات کیهان دارویی با کواکب سبعة

❖ حکمای طب و نجوم کهن اسلامی بیان کرده اند: و بدانکه آن کواکب مذکوره بعضی سعد اکبرند (مشتری) و بعضی سعد اصغر (زهره)، و بعضی نحس اکبر (زحل)، و بعضی نحس اصغر (مریخ)، و بعضی-متوسط تابع آنها (شمس عطارد قمر). پس هر یک از مراتب مولدات ثلاثه مذکوره؛ و تریاقیه فاذزهریه؛ نافعہ خیره؛ فاضله؛ منسوب به سعد اکبر و اصغرند (مشتری و زهره)، و هر سمی مضر مفسد مهلک؛ به نحس آنها (زحل و مریخ)، و مراتب و متوسط اینها؛ به متوسط آنها، خصوص که در خانه و بیت و شرف و اوج و سعادت و حظوظ خود باشند، و یا نظرات سعود (اتصالات مشتری و زهره) به آنها باشد، به خلاف آنها که در غربت (غیر بیت و شرف و مثلثه) و در هبوط و بی حظ باشند، و نظرات نحوس با آنها باشد بدتر، یعنی هنگام تکون هر یک از مولدات که کواکب سعیده مربی آنهایند و آنها منسوب بدینها، اگر در خانه و بیت و شرف و اوج و حظوظ خود هستند و نظرات سعود به آنهاست؛ در کمال سعادتند، و الا در سعادت کمتر و ناقص، و هم چنین کواکب منحوسه و تکون منسوبات آنها.

لله و بدانکه بعضی طبایع با بعضی-مناسبت و الفت دارند، چنانچه بعضی-کواکب با هم، مانند زبیق با ذهب، و حجر مغناطیس با حدید، و کاهربا با کاه، که چون با هم رسند حکم عاشق و معشوق دارند، که بی عائقی و مانعی و جداکننده ای از هم جدا نگردند.

☾ و بعضی قاهر بعضیند، مانند سنگ سنباده که به واسطه آن جمیع احجار را می ساینند و می تراشند، و مانند آهن آبدار که بدان اکثر احجار و فلزات را می تراشند و سوهان می کنند، و به قلم الماس بر جمیع احجار نقش می کنند آنچه را می خواهند، و کبریت که سیاه کننده و سوزاننده اکثر چیزها است (که به سبب رطوبت بورقی لزج منجمد) خود به حرارت آتش گداخته؛ به هر چه می رسد؛ می چسبد؛ و آن را با خود می سوزاند، و حجر مغناطیس را به آلت مسی می تراشند و می بُرند.

☾ و طبیعی معین طبیعی است، مانند تنکار که معین سبک و گداز طلا و نقره است، و کبریت که معین تکلیس اکثر فلزات و احجار و مغنيسا و قلا که معین گداز سنگریزه و رمل است، که بواسطه آن گداخته شیشه صافی می سازند.

☾ و طبیعی مُزین طبیعی است، مانند نوشادر که غوص می نماید در اعماق اجساد؛ و تنقیه اوساخ آنها نموده، زینت می بخشد آنها را، و بوره و شبوب و زاجات و املاح مدبره که بدانها تصفیه و جلای فلزات می نمایند.

☾ و طبیعی مفسد طبیعی است، مانند اسرف که مفسد ذهب است، و زبیق که مفسد کل فلزات؛ و سرکه که مفسد عسل است.

☾ و طبیعی گریزنده از طبیعی است، مانند حجر باغض النحل.

☾ و طبیعی با طبیعی ممانج است، مانند تأثیرات ادویه و اغذیه در اعضاء علیله و صحیحیه ابدان حیوان و انسان، که هر عضوی که از اعضاء دواى مخصوص به علت خود و غذای لائق به حال خود را به مناسبت جذب می نمایند، به استعانت قوت مدبره بدنیه؛ و قوت ماسکه عضویه؛ و قوت دافعه مرض و قوت غاذیه و نامیه و مولده؛ و همچنین سائر طبایع.

☾ و چون این امور بالاجمال دانسته شد: پس اگر در هنگام اخذ و التقاط هر یک از مولدات مناسبات، و بودن کواکب منسوبه بدانها را؛ در خانه و بیت الشرف و حظ و اوج خود؛ و بودن نظرات سعود با آنها مراعات نمایند؛ اولی است، و همچنین در هنگام عطاء به دیگری در توسعه وقت، و اما در هنگام ضیق و ضرورت؛ باکی نیست عدم مراعات آنها.

☾ و بدانکه بر جمادات ثراییت و یبوست، و بر نباتات ترابیت و مائیت غالب است؛ با هوائیت و حرارت ضعیفه، و بر حیوانات هر چهار؛ قریب به اعتدال، و در انسان به اعتدال فرضی طبی.

☾ و بدانکه بعض نباتات و احجار به اعتبار دو کیفیت خود منسوب به دو کوبند مانند: پیاز که بجهت حرارت و حدت به مریخ؛ و بجهت رطوبت به زهره منسوب است، و افیون بجهت برودت به زحل؛ و بجهت یبوست هم بدو؛ و هم عطارد. ☾ و بسا است که یک چیز به چند کیفیت مشترک منسوب به چند کوب است مانند چوب چینی و جدوار و فادزهر نیز و هر دوای مرکب القوی.

☾ و گاه می باشد که یک جنس و یک نوع به حسب جنسیت و نوعیت منسوب به یک کوب است، و به حسب اختلاف اوصاف و اشکال و غیرها به کواکب دیگر نیز.

☾ و گاه می باشد اجزای بعض اشجار و نباتات به اعتبار اختلاف کیفیات و الوان و خواص منسوب به چند کوب، که بیخ آن منسوب به کوبی و پوست آن به کوبی، و خار آن به کوبی، و گل آن به کوبی، و برگ آن و ثمر آن به کوبی، و تخم و لحم و آب آن هر یک به کوبی، مانند اترج و نارنج و شفتالو و انبه و انار و امثال اینها.

داروهای گیاهی منسوب به کواکب سبعة (بیان به اجمال)

۱- منسوب به زحل: مجملا ادویه ای می باشند که اغبر (کدر) خاکستر رنگ و یا سیاه خاردار، زمخت، کریه الرائحه اند، که در اراضی و اماکن صلبه (سخت) مملسه جنوبیه تکون یابند، و آنچه از آنها در صلاح و نیکوئی حال زحل و رجعت و استقامت و شرف آن تکون یابد یا در این وقت نسخه و استعمال شود؛ جهت امراض طحال نافع، و آنچه در بدی حال و رجعت و هبوط آن تکون یابد یا در این وقت نسخه و استعمال شود؛ منحوس و مضر باشند، و از این کیفیت و خاصیت و اثر آن را دریافت نمایند.

۲- منسوب به مشتری: مجملا ادویه با دهنیت (چربی)، نیکو رائحه و طعم است، که گل آنها سرخ و یا آسمان گونی و برگ آنها صاف باشد، و در مواضع جیده و چرب روئیده، و اینها نافعند کبد را؛ و صاف می گردانند خون را؛ و ملتحم (درست و پیوسته) می گردانند جراحات را.

۳- منسوب به مریخ: مجملا ادویه ی مائله به حمرت (سرخ)؛ و خشن؛ و خاردار است، و آنچه سوزاننده، و منابت (محل رویش) آن اماکن یابسه باشد.

۴- منسوب به شمس: مجملا ادویه رسیده خوشبوی لذید شیرین؛ که رائحه آنها خوش؛ و گل آنها و برگ آنها سرخ؛ خصوصا در مواضع مکشوفه که شعاع آفتاب بدانها برسد، و اینها مقوی قلب و روح و چشمنند.

۵- منسوب به زهره: مجملا ادویه ای که طعم آنها شیرین؛ و رائحه ی آنها خوش؛ و گل آنها و برگ آنها نرم باشد، و اینها قوای شهوانیه و امراض زنان و رحم و مذاکیر و امراض بارده رطبه غیر مفرط را نافعند، و زیاده کننده شحم و سمن (پیه و دنبه) و منی باشد.

- ۶- منسوب به عطارد: مجلا ادویه ای است که برگ آنها غلیظ و نرم و ملایم و آبدار باشد، و در زمینهای نمناک و آبدار و در میان آب رویند.
- ۷- منسوب به قمر: مجلا ادویه ای که درخت کوتاه ساق داشته باشد و پهن شود و هر چه بر پا نایستد و نجم (بوته) باشد، و هر چه سرد و تر در آب روید.

تعیین نوع کاربرد داروهای گیاهی بر اساس دلالات فلکی

و ادویه منسوبه به اخلاط اربعه و منسوبه به اعضا و ادویه مناسبه به بعض امراض نیز در اینجا ذکر خواهد یافت.

بدانکه ادویه ای که مستدیر الاصول (با ریشه گرد) باشند؛ اورام و بشور و صلع را نافعند، مانند: بخور مریم و اسطراطیوس و خلد دنیای صغیر و لوف الحیه و اشراس و سکبینج و غاریقون و ثوم و بصل.

و آنچه در عروق آنها ثقبها (سوراخها) باشد؛ جراحات را نافع است، مانند: اسقیطس و بتونکا و ملمسنا و اسطراطیوس و خرانیا و رعی الحمام و غافت.

و آنچه در آنها لعابیت و لزوجت و صمغیت باشد؛ قروح و جروح را، مانند: اسقیطس کبیر و خطمی و اکلیل الشمس و انزروت و دبق و صبر و مرو کندرو دم الاخوین و صمغ البطم و مصطکی و قومالمی.

و آنچه در برگ آنها ثقبها و خشونت باشد؛ حکه و جرب و قوبا و امثال اینها را نافع است.

و آنچه آنها را مشابهتی به حیوانی باشد؛ نافع نَئِش آن حیوان است.

و از آنچه ذکر یافت دانسته می شود خاصیت و طبیعت آن ادویه، و گاه استدلال نموده می شود از بعض احوال ظاهره به باطنه آنها، خصوصا به چیزی که در آن است؛ از ملحیت و زیبقت و کبریتیت، زیرا که اشیاء خالی از این امور نیستند

و طعوم همگی از ملحیت است، و روایح تمامی از کبریتیت، و رنگهای تمامی از زیبقت آنهاست، و هر که را حذاقتی در صناعت باشد، می تواند که استدلال نماید از امور ظاهره بر امور باطنه، و می تواند حکم نمود میان نسبت صورت ظاهره به باطنه، خصوصا که تجربه را به آن ملاحظه نموده باشند، و اینجا بدین مقدار به هر یک از مطالب و مقاصد متفرقه نجومیه و طبیعیه متعلقه مسائل ضروریه طیبیه اشاره نموده شد برای تذکره ی صاحبان بصیرت و علم و معرفت.
(نقل از حکیم عقیلی علوی خراسانی)

داروهای گیاهی منسوب به کواکب سبعة (بیان به تفصیل)

۱- گیاهان دارویی منسوب به زحل:

الف): ۱- آس اسرب، ۲- آبنوس، ۳- ایهل آندان الفار، ۴- ابوقانس، ۵- ابرون نوع من الحماحم، ۶- اثل، ۷- اجاص اذخر، ۸- اراک، ۹- اسعد العدس در نسخه سنگی اسد العدس، ۱۰- افینس، ۱۱- اقاقیا، ۱۲- امر و سیاه (امر و سیا)، ۱۳- امسوخ، ۱۴- امغیلان، ۱۵- انبر باریس، ۱۶- ایذا اریذا.

الباء): ۱- بردی، ۲- پرسیاوشان، ۳- برطانیقی، ۴- بستیاچ بسفایج، ۵- بقس، ۶- بقم، ۷- بقله حامضه، ۸- بقله یهودیه، ۹- بلح، ۱۰- بلوط، ۱۱- بللیج، ۱۲- بنج، ۱۳- بنوته که ورق الطیر و ورق الغنم نامند، ۱۴- بنطافلن، ۱۵- بولامونیون، ۱۶- بهمی، ۱۷- بیسم.

التاء): ۱- تمر هندی.

الثاء): ۱- ثمام، ۲- ثیل.

الجیم): ۱- جارالنهر، ۲- جنار، ۳- جلبان، ۴- جوز العبهر، جوز مائل، ۵- جوشیصا، ۶- جیدار.

الحاء): ۱- حسک، ۲- حشیشة الزجاج، ۳- حصرم، ۴- حضض، ۵- حلفا، ۶- حلق، ۷- حلاب، ۸- حماض، ۹- حمضیض که بقله حامضه است، ۱۰- حمام (حمامم)، ۱۱- حناء، ۱۲- حی العالم.

الحاء): ۱- خانق النمر سیاه خربق است، ۲- خانق الذئب، ۳- خانق الکلب، ۴- خرنوب خلاف، ۵- خمتان که اقطی است، ۶- خمخم، ۷- خندریل، ۸- خندروس، ۹- خیزران.

الدال): ۱- دبق، ۲- دخن، ۳- دردار، ۴- دروفیون (دروفینون)، ۵- دلب، ۶- دم الاخوین.

الذال): ۱- ذره، ۲- ذنب الخیل، ۳- ذنب السبع.

الراء): ۱- ریاس.

الزاء): ۱- زبیب الجبل، ۲- زعرور، ۳- زیتون الماء، ۴- زیت، ۵- زیتار.

السیون): ۱- ساداوران، ۲- سامان گیاه حصیر، ۳- سدر، ۴- سرو سرخس، ۵- سعد، ۶- سفرجل، ۷- سقولو قندریون (سقولو قندریا)، ۸- سک ساق، ۹- سماق، ۱۰- سماق الدباغین، ۱۱- سندریطس سناء مکی، ۱۲- سوسن.

الشین): ۱- شاه‌یصینی، ۲- شاه‌سفرم، ۳- شاه بلوط، ۴- شوکران.

الصاد): ۱- صندل

الضاد): ۱- ضیر که جوز البراست.

الطاء): ۱- طالیسفر و هندی طالیفر، ۲- طباشیر، ۳- طرفاء، ۴- طراثیث، ۵- طلع، ۶- طلع که موز است.

الظاء): ۱- عدس، ۲- عذبه، ۳- عصی الراعی، ۴- عقص، ۵- علیق عنب الثعلب، ۶- عنب الدب.

- الغین): ۱- غیراء، ۲- غرب، ۳- گوشنه.
- الفاء): ۱- فاغره، ۲- فطر، ۳- فقع فنجنشگ، ۴- فوفل.
- القاف): ۱- قراصیا کرفس، ۲- قرظ، ۳- قرمان، ۴- قصب قطف، ۵- قطلب، ۶- قطن، ۷- قنا، ۸- قب
- الكاف): ۱- کافور کبر، ۲- کرم، ۳- کزبره، ۴- کشت بر کشت، ۵- کفری، ۶- کماه، ۷- کوزثل (کوزمائل).
- اللام): ۱- لبلاب، ۲- لحيه التيس، ۳- لسان الحمل، ۴- لخيضس (لنجيطس)، ۵- ليموسياماحبوس (ليمو).
- الميم): ۱- مامیثا، ۲- ماش، ۳- مرطولس، ۴- مزمار الراعی، ۵- مشط الغول، ۶- مقل مکی.
- النون): ۱- نوارس، ۲- نیل، ۳- نیلج نیلم.
- الهاء): ۱- هرطمان، ۲- هفت پهلوی ذوسبعه اضلاع، ۳- هلیلیج.
- الياء): ۱- یبروح، ۲- ینمه

۲- گیاهان دارویی منسوب به مشتری:

- الف): ۱- آس، ۲- ابزار، ۳- آذان الارنب، ۴- ارجوان، ۵- اسط طیفوس، ۶- اسطیتطس، ۷- اسلخ، ۸- اسرار، ۹- اقیمون، ۱۰- افسون، ۱۱- اکلیل الملک، ۱۲- اومالی، ۱۳- اندرمان، ۱۴- انتلیس، ۱۵- انغزاء، ۱۶- انف العجل، ۱۷- اندرومارون، ۱۸- ایمارایرطاء.
- الباء): ۱- بابونج، ۲- بادرنجوبه، ۳- بادآورد بتونکا، ۴- برنجاسف، ۵- برطانیقی، ۶- برسیانا، ۷- بسفایج، ۸- بسر، ۹- بشین، ۱۰- بطم، ۱۱- بطیخ، ۱۲- بقشوقرین (تبشوفرثن)، ۱۳- بقله الاوجاع، ۱۴- بلسان، ۱۵- بلوطی، ۱۶- بلسکی،

- ۱۷- بنک بواصیرا، ۱۸- بولامونیون، ۱۹- بهار.
- التاء): ۱- تانبول، ۲- ترمس، ۳- ترنجبین، ۴- تفاح، ۵- تمر، ۶- توت، ۷- تین.
- الحمیم): ۱- جزر، ۲- جنجل، ۳- جوز جندم.
- الحاء): ۱- حب السمنه، ۲- حربث، ۳- حزنیل (حزنبل)، ۴- حلبه که فاریقا و اعیون نیز نامند. ۵- حلفاء، ۶- حمص، ۷- حنطه، ۸- حوز که حوز السرو نیز گویند.
- الحاء): ۱- خصی الثعلب، ۲- خنثی که برواق (بزواق) نیز گویند، ۳- خیار شنیز.
- الدال): ۱- دار شیشعان، ۲- دستنبویه، ۳- دوسر، ۴- دیناقوس.
- الذال): ۱- ذنب القط، ۲- ذنب الخروف.
- الراء): ۱- راوند، ۲- ربل، ۳- رجل الغراب- ریباس.
- الزای): ۱- زبیب زرشک، ۲- زفت، ۳- زیتون.
- السنین): ۱- سپستان، ۲- سکر، ۳- سکرالعشر، ۴- سلق، ۵- سلدانیون، ۶- سمس، ۷- سوسن، ۸- سیلان.
- الشین): ۱- شاهتره، ۲- شجره ابی مالک، ۳- شطبه، ۴- ششیریت (ششیریت)، ۵- شقاق، ۶- شلجم، ۷- شلجم احمر که نوعی از نقل است.
- الصاد): ۱- صاصلی، ۲- صعتر، ۳- صمغ.
- الضاد): ۱- ضغاییس.
- الطاء): ۱- طیلافیون.
- العین): ۱- عنب، ۲- عنب الثعلب، ۳- عناب، ۴- عودالحیه، ۵- عیون البقر.
- الغین): ۱- غار.
- الفاء): ۱- فستق، ۲- فضه فوه الصبغ.

القاف): ۱- قاطانیقی، ۲- قاقلی، ۳- قاوند، ۴- قرصعنه، ۵- قصب السكر- قرنفل
 بستانی و دهن آن، ۶- قطن، ۷- قرظ، ۸- قلقل، ۹- قناء، ۱۰- قند، ۱۱- قسط
 قنطوریون، ۱۲- قوطوما.

الکاف): ۱- کاکنج، ۲- کادی ط سنگی کاذی، ۳- کتیرا، ۴- کرنب، ۵- کراث، ۶-
 کرسنه، ۷- کردان، ۸- کسموقا، ۹- کشوٹ، ۱۰- کشمش، ۱۱- کف الضبع که
 کف الصبغ نامند، ۱۲- کف آدم، ۱۳- کف النهر، ۱۴- کفری، ۱۵-
 کلزکماذریوس.

اللام): ۱- لبلاب، ۲- لسان الثور، ۳- لوز، ۴- لویبا.

المیم): ۱- محلب (هندی محلف)، ۲- مخلصه، ۳- مرجان مر، ۴- مرماحوز، ۵-
 مزمار الراعی، ۶- مغاث، ۷- میسن.

النون): ۱- نارجیل، ۲- نارمشک، ۳- نسرین، ۴- نقل نینا، ۵- نوارس.

الواو): ۱- ورد.

الهاء): ۱- هاسیمونا، ۲- هلیون.

الیاء): ۱- یاسمین.

۳- گیاهان دارویی منسوب به مریخ:

الف): ۱- آطریلال، ۲- ابوقانس، ۳- آذربون، ۴- ارمالک، ۵- اریدبرید، ۶-
 ارمنین، ۷- آزاد درخت، ۸- اسلنج، ۹- اشق، ۱۰- اشترغار، ۱۱- اشخیص، ۱۲-
 اسود، ۱۳- اشنان، ۱۴- افتمون، ۱۵- افینوس، ۱۶- اقحوان، ۱۷- اکلیل الجبل، ۱۸-
 انجدان، ۱۹- انجره، ۲۰- انیسون، ۲۱- اناغالس، ۲۲- انزروت، ۲۳- انوما که نوعی از
 خس الحمار است.

الباء): ۱- بادآورد بلوماین، ۲- بخور اکراد، ۳- برنک، ۴- بشیمه، ۵- بصل، ۶-

بقتوفرثن، ۷- بقله البراری، ۸- بلخیه، ۹- بلادرین، ۱۰- بوزیدان، ۱۱- بونیون، ۱۲- بیش، ۱۳- بیش موش بیشا.

التاء: ۱- ترید.

الثاء: ۱- ثافسیا، ۲- ثوم.

الجیم: ۱- جاوشیر، ۲- جدوار، ۳- جبلهنگ، ۴- جمجم، ۵- جنطیانا، ۶- جوزبوا، ۷- جوزالکوثل.

الحاء: ۱- حاشا، ۲- حاشیش، ۳- حب النیل، ۴- حب الزلم، ۵- حرمل، ۶- حرف، ۷- حرمله، ۸- حلتیت، ۹- حماما، ۱۰- حنظل.

الحاء: ۱- خانق الكلاب، ۲- خاماسوقی، ۳- خردل، ۴- خربقان، ۵- خصی الكلب، ۶- خولنجان، ۷- خیربوا، ۸- خیری.

الدال: ۱- دارفلفل، ۲- دیدار (دیداریا)، ۳- درونج، ۴- دروبطارس، ۵- دفلی، ۶- دند، ۷- دوقس، ۸- دیودار.

الذال: ۱- ذاقنی ویداس، ۲- ذنب العقرب.

الراء: ۱- رازیانج، ۲- رعی الابل، ۳- رتم، ۴- رعی الحمیر، ۵- ریجان الکافور.

الزای: ۱- زیب الجبل، ۲- زعفران، ۳- زنجبیل، ۴- زنجبیل الكلاب، ۵- زوفای یابس، زوفاء، ۶- زوان.

السین: ۱- ساذج، ۲- سداب، ۳- سرخس، ۴- سطرونیون، ۵- سطاخینس، ۶- سعد، ۷- سعوط، ۸- سقمونیا، ۹- سكبینج، ۱۰- سلیخه، ۱۱- سنكسبویه، ۱۲- سولان، ۱۳- سیسنبر.

الشین: ۱- شبرم، ۲- شربین، ۳- شقایق، ۴- شل، ۵- شونیز، ۶- شیطرج، ۷- شیه.

الصاد: ۱- صریمه، ۲- صعتر.

الضاد: ۱- ضجاج.

الطاء: ۱- طباق، ۲- طراغیون، ۳- طریفلن، ۴- طریقولیون.

الظاء: ۱- ظفره.

العين: ۱- عاقرقرحا، ۲- عشق، ۳- عرطنیثا- علیق، ۴- عنصل، ۵- عوسج، ۶-

عینون.

الغین: ۱- غار، ۲- غالیس.

الفاء: ۱- فاشر، ۲- فاشر ستین، ۳- فجل، ۴- فریبون، ۵- فرنجمشک، ۶- فشغ،

۷- فلفل، ۸- فلفل الماء، ۹- فلفل سودان، ۱۰- فو، ۱۱- فودنج

القاف: ۱- قرنفل، ۲- قرون السنبل، ۳- قسط، ۴- قسطون، ۵- قعیل، ۶- قلب،

۷- قلقونیا، ۸- قلی، ۹- قنطوریون، ۱۰- قیصوم.

الكاف: ۱- کاشم رومی، ۲- کبر، ۳- کییکج، ۴- کتم، ۵- کراث، ۶- کروبا، ۷-

کف الضبع، ۸- کف الهر، ۹- کمون، ۱۰- کندش، ۱۱- کندری.

اللام: ۱- لاغیه، ۲- لامی، ۳- لبن سودان، ۴- لحنیس، ۵- لسان الابل.

المیم: ۱- ماهودانه، ۲- ماهی زهره، ۳- ماذریون، ۴- مثنان، ۵- مرزنجوش، ۶-

مرماحوز، ۷- مراسم، ۸- مرتج (موبخ)، ۹- میعه .

النون: ۱- ناخواه، ۲- نام.

الواو: ۱- وچ، ۲- وخشیزک، ۳- ولب.

الياء: ۱- یتوعات

۴- گیاهان دارویی منسوب به نیر اعظم شمس:

الف: ۱- ابراز، ۲- اترج اذخر، ۳- ارقیطون، ۴- ارماک، ۵- اسارون، ۶-

- اسطخودوس، ۷- اصابع الصفر، ۸- اقنیقطس (افیقطس)، ۹- اکلیل الجبل، ۱۰- النج، ۱۱- انجره، ۱۲- انتله، ۱۳- ایرسا.
- الباء): ۱- بادرنجوبه، ۲- بادروج، ۳- بان، ۴- برنجاسف، ۵- برلوف، ۶- بسفایج، ۷- بطم، ۸- بقله الاوجاع، ۹- بلبوس، ۱۰- بلوط الارض، ۱۱- بل، ۱۲- پنجنکشت، ۱۳- بهمن.
- التاء): ۱- تودری.
- الجیم): ۱- جثجات، ۲- جعده، ۳- جفت آفرید، ۴- جل نسرین، ۵- جوزبوا، ۶- جوزالقئی، ۷- جوزالخمس، ۸- جوزالشرك، ۹- جوزالارقم، ۱۰- جوشیصا.
- الحاء): ۱- حب الکی، ۲- حب السنه، ۳- حب المنسم، ۴- حشرف، ۵- حراه، ۶- حل، ۷- حلبه، ۸- حلبیب، ۹- حلبوب.
- الحاء): ۱- خروع، ۲- خصی الدیك، ۳- خلنج.
- الدال): ۱- دارچینی، ۲- دارشیشعان، ۳- دازی، ۴- دمام، ۵- داویا اغریا.
- الذال): ۱- ذنب الخروف.
- الراء): ۱- راسن، ۲- راوند.
- الزاء): ۱- زرنباد، ۲- زرنب، ۳- زراوند، ۴- زعفران، ۵- زهره یعنی مراره. ۶- زیتون
- السین): ۱- سداب بستانی، ۲- سفادیکس، ۳- سفیدلیون، ۴- سناء، ۵- سنبل، ۶- سنبل رومی، ۷- سنبل جبلی، ۸- سپستان، ۹- سیسارون.
- الشین): ۱- شبت، ۲- شنبلید.
- الصاد): ۱- صامریوما (صامربواما)، ۲- صبر.
- الضاد): ۱- ضرو، ۲- ضریع.

الطاء): ۱- طرخون.

العین): ۱- عبیثران، ۲- عروق الصفر، ۳- عود.

الغین): ۱- غاروغاریقون (غاروغاریقون).

الفاء): ۱- فتایل الرهبان، ۲- فراسیون، ۳- فستق.

القاف): ۱- قاقله، ۲- قثاء الحمار، ۳- قره العین، ۴- قرطم، ۵- قصب الذریره، ۶-

قنه قیقهر.

الکاف): ۱- کبابه، ۲- کماذریوس، ۳- کندر.

اللام): ۱- لسان العصافیر.

المیم): ۱- محلب مرانبه (مراینه)، ۲- مستعجله.

النون): ۱- نارنج، ۲- نعنع.

الواو): ۱- ورس.

الهاء): ۱- هرنوه، ۲- هشت دهان، ۳- هرمه، ۴- هیوفاریقون.

الياء): ۱- یاسمین.

۵- گیاهان دارویی منسوب به زهره:

۱- انجیر، ۲- بید - (بصل الزیز (بصل الزیر))، ۳- خصیه الشعلب، ۴- سوسن سفید،

۵- نرگس، ۶- نیلوفر، ۷- وردابیض.

۶- گیاهان دارویی منسوب به عطارد:

۱- اقطی، ۲- بابونه، ۳- جوز، ۴- حشیشه الزجاج، ۵- حندقوقی، ۶- دبق، ۷-

عرعر.

۷- گیاهان دارویی منسوب به قمر:

الف): ۱- احلامود، ۲- اسفناج، ۳- اقمیدون.

- الباء): ۱- باقلى، ۲- بزرقتونا، ۳- بقلة الحمقاء، ۴- بصل، ۵- بطیخ زتی، ۶- بنفسج، ۷- بوش دربندى.
- التاء): ۱- تفاح.
- الحاء): ۱- خبازى، ۲- خس، ۳- خشخاش، ۴- خلاف، ۵- خلال، ۶- خوخ.
- الراء): ۱- رمان.
- الطاء): ۱- طحلب.
- العين): ۱- عدس الماء.
- الفاء): ۱- فاوانيا، ۲- فطرکرات.
- القاف): ۱- قثاء، ۲- قرع.
- الميم): ۱- مشمش
- النون): ۱- نیلوفر.
- الهاء): ۱- هندباء



قوت و ضعف داروها و گیاهان به نسبت قوت کوکب آنها

قوای مفید و فاضله و پادزهر منسوب به سعود هستند (مشتري سعد اکبر و زهره سعد اصغر) و سموم مضر و مفسد مهلك منتسب به نحوس هستند (زحل نحس اکبر و مریخ نحس اصغر) و موارد متوسط اینها نیز به متوسط آنها منسوبند و با قوت کوکب منتسب؛ قوت می یابند خصوصاً که کوکب در جایگاهی از حظوظ خود باشد (بیت، شرف، حد، اوج و ..) و با نظرات کواکب سعد (مشتري و زهره)؛ و برخلاف آن؛ ضعف داروها در ضعف کوکب منتسب (در غربت و هبوط و وبال و غیر حظ) که با نظرات نحوس بدتر می شود.

پس هنگام تکون (تولد و رشد) و نیز تجویز و کاربرد هر یک از مولدات (جماد و گیاه و حیوان) که کواکب سعیده (مشتري، زهره) مری و دلیل آنها هستند و منسوب به این کواکبند؛ اگر در خانه و شرف و اوج و حظوظ خود باشند و نظرات سعود به آنها باشد در کمال سعادتند و الا از سعادت کاسته می شود و بهره شان ناقص و همچنین کواکب نحس (مریخ و زحل) که تکون منسوبات به آنها در نحوستان (تراجم و وبال و هبوط و ..) مضر می شوند.

شرایط نجومی: کاشت، رویش، پرورش، برداشت، ساخت، تجویز، کاربرد

با توجه به انتساب داروها به کواکب اگر در هنگام اخذ و التقاط و ساختن داروها؛ تناسبهای نجومی از بودن کواکب منسوب بدانها را در خانه و شرف و اوج و حظوظ و نظرات سعود (مشتري، زهره) با آنها مراعات نمایند اولی است و همچنین در هنگام عطاء دارو به دیگری در توسعه وقت و اما در هنگام ضیق وقت و در شرایط اورژانسی شرایط بقدر ممکن رعایت شده و در بقیه موارد کادر معالج احتیاطات لازم برای نتایج نامطلوب را قبلاً پیش بینی می کنند.

پژوهشگرده ها و آموزشگرده های بنیاد حیات اعلیٰ

علوم معرفت الهی - علوم زبان وحی - علوم کلام وحی

علوم تلاوت کلام وحی - علوم کلام خازنان وحی - علوم فقه آئین الهی

علوم تقویم نجوم تنجیم - علوم طب جامع - علوم پاکزستی

آموزش برتر (اعلیٰ) - علوم برتر (اعلیٰ) - علوم توانمندی بانسروی الهی

علوم عمارت برتر - علوم انساب و تبارشناسی - رسانه های حیات اعلیٰ

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دار المعارف الإلهیة

۱۴۳۶

www.Aelaa.net

tanjim@aelaa.net

aelaa.net@gmail.com

والحمد لله رب العالمین